

راه و رسم زندگی (۱۸) پیوند خویشاوندی

محمد سبحانی نیا (عضو هیئت علمی دانشگاه تفرش)

برنامه را از انسان‌ها گرفته است، ولی مناسبت‌های ملی و مذهبی، اعیاد و وفیات و آغاز سال جدید، فرصت طبیعی و مناسبی برای عمل به این «سنت دینی» است. حفظ سنت‌های سودمند و ریشه‌دار دینی، از عوامل تحکیم رابطه در خانواده‌ها است.

شاید بتوان گفت در گنجینه معارف اسلامی، کم‌تر موضوعی از موضوعات حقوقی - اخلاقی را می‌توان یافت که به اندازه صله و قطع رحم و نیز نیکی به والدین و عاق آن‌ها، پیرامون آن سخن رفته باشد و این خود نشان اهمیت و جای‌گاه والای این ارزش اجتماعی در نظام ارزشی و هنجاری اسلام و نقش و تأثیر آن در ایجاد و تحکیم پیوندهای اجتماعی در شبکه‌های خویشاوندی دارد.

با توجه به جای‌گاه بلند صله رحم در منابع دینی و پی‌آمدها و آثار و نقش‌های فراوانی که در سلامت و بهداشت روانی انسان و چگونگی زندگی آدمی دارد، این موضوع با اهمیت، در خور بازبینی است. بدین منظور در این شماره به بررسی آن می‌پردازیم. «صله» در لغت به معنای: احسان، دوستی و ارتباط آمده است و مراد از «رحم» خویشاوندان و بستگان می‌باشد.^۱ در اصطلاح، صله رحم، محبت و سلوک داشتن با خویشان و نزدیکان است.^۲

بحث از شبکه خویشاوندی و خانواده گسترده، به رغم رواج خانواده هسته‌ای، به عنوان رایج‌ترین شکل خانواده در تمدن صنعتی، همواره از محورهای در خور توجه جامعه‌شناسی جدید به شمار آمده، به طوری که بخش مهمی از «جامعه‌شناسی خانواده» (یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی) را به خود اختصاص داده است.

از سوی دیگر، همه روان‌شناسان و اندیشمندان علوم اجتماعی معتقدند که رشد علمی و اخلاقی انسان در گرو رشد عاطفی اوست؛ یعنی هرچقدر نیازهای عاطفی انسان بیش‌تر تأمین شود، زمینه برای رشد شناختی و اخلاقی وی بیش‌تر فراهم می‌شود و در نتیجه انسان بهتر، بیش‌تر و سریع‌تر به خودشکوفایی دست می‌یابد، علاوه بر این تأمین نیازهای عاطفی، سلامت روانی انسان را نیز تأمین می‌کند. بر این اساس اسلام ارتباط با خویشاوندان و اقوام را به عنوان «صله رحم» (زیباترین شکل پیوند و ارتباطات انسانی)، تأمین‌کننده و تکمیل‌کننده یکی از مهم‌ترین ابعاد وجودی انسان؛ یعنی بعد عاطفی، مطرح کرده است.

سنت «صله رحم»، از نیکوترین برنامه‌های دینی در حیطه معاشرت است، گرچه شکل نوین زندگی و مشغله‌های زندگی‌های امروزی، گاهی فرصت این

روش‌های رسیدگی به خویشان

برخی گمان می‌کنند صلۀ رحم یعنی تنها به دیدار ارحام رفتن و از آنان احوال‌پرسی کردن، ولی باید دانست چه بسا که برای بعضی از خانواده‌ها رفت و آمد، موجب زحمت و ناراحتی شود، مخصوصاً اگر وسیله پذیرایی نداشته باشند. بنابراین صلۀ رحم تنها در دید و بازدید خلاصه نمی‌شود بلکه باید پیوند خویشاوندی با مهر و محبت و صفا و صمیمیت باقی بماند.

کم‌ترین چیزی که به وسیله آن، این پیوند برقرار می‌شود، رفت و آمد و سلام کردن است. اما در بعضی از موارد، اکتفا به این مقدار کافی نیست، برای مثال اگر یکی از اقوام فقیر و دیگری ثروتمند باشد، صلۀ رحم به وسیله کمک‌های مالی و دفع ضرر از آن‌ها تحقق می‌یابد و اگر شخص ثروتمند هیچ توجهی به مشکلات اقوام نداشته باشد، قطع رحم کرده است. در نتیجه تحقق صلۀ رحم به اوضاع و احوال و موقعیت و زمان بستگی دارد. هدیه دادن، دل‌جویی کردن، دید و بازدید، خودداری از آزار، تمسخر و تحقیر نکردن، عیادت هنگام بیماری، شرکت در مجالس شادی و غم، پذیرفتن دعوت در اعیاد و میهمانی‌ها و هر کاری که سبب شود مردم بگویند اینان ارتباط خانوادگی شایسته‌ای دارند، نشانه تحقق صلۀ رحم است.

برخی از روش‌های صلۀ رحم و حمایت از خویشاوندان عبارت‌اند از:

۱- کمک جانی: بهترین مرتبه صلۀ رحم، رسیدگی جانی به خویشان است و آن در جایی است که جان یکی از بستگان در خطر باشد که در این صورت باید

در شرع مقدس اسلام و آیات و روایات، معنای خاصی برای رحم ذکر نشده است. پس می‌توان گفت: این کلمه نیز مانند سایر کلمات، حمل بر معنای عرفی متداول می‌شود؛ یعنی مطلق نزدیکان و بستگان. بنابراین خویشاوندان پدری و مادری را هر چند با چند واسطه باشد، شامل می‌شود و فرزندان و خویشان آن‌ها را نیز دربر می‌گیرد.

شاید رحم به معنای خویشاوندانی است که از طرف پدر و مادر و نیز فرزندان، به یکدیگر وابسته هستند، هر چند که این وابستگی به چند واسطه باشد.

عروة بن یزید از امام صادق(ع) درباره تفسیر آیه: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ؛^۳ آنان که آن چه را خدا به پیوستن آن فرمان داده، پیوند می‌دهند»، پرسید. آن حضرت پاسخ داد: مراد از کسانی که خداوند پیوستن به آنان را فرمان داده، خویشاوندان توست.^۴

بنابراین، صلۀ رحم، پیوند با تمام خویشان می‌باشد، بدیهی است که خویشاوند هر قدر به انسان نزدیک‌تر باشد، وظیفه انسان در حفظ پیوند، شدیدتر و لازم‌تر است.

علاوه بر خویشاوندان نسبی، ارحام، مصادیق دیگری نیز دارد و آن ارحام روحانی است که براساس آن چه از روایات استفاده می‌شود، عبارت‌اند از: پیامبر اکرم(ص)، ائمه معصومین(علیهم السلام)، علمای ربانی (و در رتبه بعد) اساتید و معلمان، صلحای مؤمنان (یا عموم مؤمنان) و سادات.

تا پای جان ایستاد و از خویشاوندان خود - در چارچوب اسلام و معیارهای مکتبی - دفاع کرد، تا ضرر از او دفع شود. رسول خدا(ص) فرمود: «هر کس با جان و مالش، صلّه رحم کند، خدای متعال اجر صد شهید به او می‌دهد.»^۶

۲- کمک مالی: اگر میان بستگان انسان، افراد نیازمند وجود دارد، رسیدگی مالی به ایشان لازم است. این‌گونه مسائل ریشه در فطرت انسان دارد و اسلام به آن تأکید فراوانی دارد، تا آن‌جا که قرآن، کمک به بستگان را جزء حقوق مالی محسوب می‌کند و آن‌جا که سخن از کمک اقوام به میان آمده، آن را به عنوان یک حق واجب ذکر کرده و می‌فرماید: «وَاتِ ذَاقِرْبِی حَقَّهُ وَ الْمَسْکِیْنُ؛^۷ حقوق خویشاوندان و مساکین را ادا کن.»

امیرمؤمنان علی(ع) نیز می‌فرماید: «فَمَنْ آتَاهُ اللهُ مَالاً فَلْيَصِلْهُ بِه قَرَابَتَهُ؛^۸ کسی که از سوی خدا ثروتی به دست آورد، باید به‌وسیله آن بستگان خویش را دستگیری کند.»

۳- کمک فکری: رسیدگی فکری در جایی است که یکی از بستگان انسان، برای هدایت شدن نیاز به راهنمایی دارد. به عنوان مثال: یکی از اقوام انسان که اهل نماز و روزه نیست، اگر نزد او رفتن و راهنمایی کردن، از فضیلت نماز و روزه سخن گفتن و از پی‌آمدهای ترک نماز و روزه ترساندن در او مؤثر می‌شود، بر انسان لازم است که نزدش رفته و به او کمک فکری کند که این کار امر به معروف و نهی از منکر است. امام خمینی(ره) در پاسخ به این سؤال که «آیا انسان می‌تواند از نظر شرعی با خویشاوندانی که بی‌تقوا و بی‌نماز و ضد انقلابند از قبیل پدر، مادر،

خواهر و... قطع رحم نماید؟ فرموده‌اند: «قطع رحم جایز نیست، ولی باید آن‌ها را با مراعات موازین، امر به معروف و نهی از منکر کند.»^۹

۴- کمک عاطفی: شاید برخی تصور کنند که اصرار و تأکید اسلام درباره صلّه رحم، برای افرادی است که تمکن مالی دارند و اشخاصی که از نظر مالی در تنگنا هستند و توان رسیدگی به دیگران را ندارند، برایشان لازم نیست. این تصور نادرستی است، زیرا هدف از صلّه رحم، برقرار کردن ارتباط و پیوند عاطفی با خویشاوندان است و این ارتباط از راه‌های گوناگونی امکان‌پذیر است؛ رفتن به منازل خویشان، سلام و احوال‌پرسی، تلفن زدن و نامه نوشتن، محبت ایجاد می‌کند و سبب دل‌جویی از خویشان می‌شود. به فرموده امیر مؤمنان علی(ع): «صَلُّوا اَرْحَامَكُمْ وَ لَوْ بِالتَّسْلِيمِ؛^{۱۰} با بستگان خود صلّه رحم کنید، گرچه با سلام کردن (به آنان) باشد.»

امام صادق(ع) نیز می‌فرماید: «پیوند میان برادران آن‌گاه که پیش هم هستند، دیدار هم‌دیگر است و در مسافرت، نامه نوشتن به یکدیگر.»^{۱۱}

گاهی نیز شرکت در غم و شادی خویشان از موارد صلّه رحم است؛ شرکت در مراسم تشییع جنازه و مجالس ترحیم و دل‌جویی از بازماندگان آنان و نیز شرکت در مجالس جشن و سرور آنان، رسیدگی عاطفی محسوب می‌شود که در تقویت و تحکیم رابطه خویشاوندی، نقش مؤثری دارد.

۵- ترک آزار: یکی از بهترین روش‌های صلّه رحم با خویشاوندان، ترک آزار و اذیت آنان است. بدین معنا پرهیز از غیبت، تهمت، زخم زدن و شماتت آنان، دخالت نکردن در زندگی آن‌ها به عناوین

مختلف، عیب‌جویی نکردن از آنان و... از بهترین موارد صلۀ رحم است. اگر کسی نمی‌تواند به بستگان خود کمک مالی کند، لااقل باید زمینه‌ی اذیت و آزار آنان را فراهم نکند.

امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید: «بهترین چیزی که به آن صلۀ رحم می‌شود، خودداری کردن از اذیت و آزار دیگران است.»^{۱۱}
جای‌گاه صلۀ رحم در اسلام

اسلام تحکیم پیوندهای خویشاوندی و استحکام روابط خانوادگی را به شدت مورد تأکید و توجه قرار داده و صلۀ رحم و رسیدگی به بستگان را به عنوان یک ارزش الهی، واجب کرده است.

از دیدگاه قرآن، صلۀ رحم آن‌قدر اهمیت دارد که خدای متعال آن را در ردیف پرستش خویش قرار داده و این نشانه‌ی عظمت صلۀ رحم است. در این مورد به آیاتی چند از قرآن اشاره می‌کنیم: «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا، وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ...»^{۱۲} [و به یاد آورید] زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و نسبت به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید.»

و در جای دیگر می‌فرماید: «وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِالذِّقْرِ الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ...»^{۱۳} و خدا را بپرستید و هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و نیز به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان.»

در قرآن مجید نام ارحام، بعد از نام خدا آمده است، آن‌جا که می‌فرماید: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْإِرْحَامِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»^{۱۴} بترسید از آن خدایی

که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید و درباره‌ی ارحام کوتاهی نکنید، همانا خداوند مراقب شماست.» خداوند عاقلان را کسانی می‌داند که آن‌چه خداوند متعال امر به پیوند آن کرده (مانند صلۀ رحم و دوستی پدر و مادر و محبت اهل ایمان) اطاعت می‌کنند و از خدا می‌ترسند و از سختی هنگام حساب می‌اندیشند... این‌ها در عاقبت جای‌گاهی نیکو دارند.^{۱۵}

در اهمیت صلۀ رحم همین بس که قرآن مجید قاطع رحم را مستحق لعن و نفرین می‌داند: «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقْتَعُوا أَرْحَامَكُمْ* أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَ أَعَمَّىٰ أَبْصَارَهُمْ»^{۱۶} آیا شما (منافقان) اگر از فرمان خدا و اطاعت قرآن روی بگردانید، یا در زمین فساد و قطع رحم کنید، باز هم امید (نجات) دارید. همین منافقان هستند که خدا آن‌ها را لعن کرده، گوش و چشمشان را کر و کور گردانیده است.»

امام سجاده(ع) نیز فرمود: «... از هم‌نشینی با کسی که از خویشانش بریده است، بپرهیز. چنان‌که من یافتم چنین فردی در سه جای قرآن مورد لعن واقع شده است.»^{۱۷}

این‌همه تأکید بر صلۀ رحم در قرآن مجید و ذکر ارحام پس از نام خداوند متعال، کاشف از اهمیت صلۀ رحم در دین مقدس اسلام است و بیان‌کننده‌ی آن می‌باشد که ترک این واجب، عواقب سوء و سرانجام ناخوشایندی در پی خواهد داشت.

رسول خدا(ص) درباره‌ی اهمیت آن فرمود: «به آنان که حاضرند و آنان که غایبند و آنان که از صلب‌های مردان و رحم‌های زنان تا روز قیامت به

دنیا می‌آیند، سفارش می‌کنم که صلۀ رحم نمایند، گرچه مستلزم پیمودن یک سال راه باشد، زیرا صلۀ رحم (یکی) از (مسائل مهم) دین است.^{۱۸}

امیرمؤمنان (ع) نیز به فرزندش چنین سفارش می‌کند: «اَکْرَمَ عَشِيرَتِكَ، فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ، وَ أَصْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ، وَ يَدُكَ الَّتِي بِهَا تَصُولُ»^{۱۹} خویشانت را گرامی بدار، زیرا آنان بال و پر تو هستند که با آنان پرواز می‌کنی و اصل و ریشه تو می‌باشند که به ایشان باز می‌گردی و دست (یاور) تو هستند که با آن‌ها (به دشمن) حمله می‌کنی (و پیروز می‌شوی).»

این‌همه تأکید و سفارش در مورد صلۀ رحم در قرآن و احادیث، بیان‌گر ضرورت و نقش حیاتی آن است. در منابع فقهی ما نیز چنین آمده است: «صلۀ رحم مطلقاً واجب است، هر چند که خویشاوندان انسان مرتد یا کافر باشند.»^{۲۰}

به عبارت دیگر کفر و فسق، سبب سقوط حق خویشاوندی نمی‌شود، بلکه صلۀ رحم در این‌گونه موارد نیز، امری پسندیده است و چه بسا موجب هدایت و نجات انسان از گمراهی شود.

راوی می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: «کسانی با من خویشاوندی دارند، اما با من هم عقیده نیستند، آیا برای آنان حقی بر عهده‌ام است؟ فرمود: بلی، حق خویشاوندی را چیزی قطع نمی‌کند و اگر با تو هم عقیده باشند، برای آنان دو حق است؛ یکی حق خویشاوندی و دیگری حق اسلام.»^{۲۱}

از آن حضرت پرسیدند: برترین مردم کیست؟ فرمود: «با تفاوت‌ترین آن‌ها برای خدا و کسی که

بیش‌تر صلۀ رحم کند و آن‌که در امر به معروف و نهی از منکر کوشاتر باشد.»^{۲۲}

مرز صلۀ رحم

این ادب معاشرت، اختصاص به بستگان پاک و باتقوا ندارد، بلکه وظیفه‌ای اخلاقی در مورد همه فامیل-حتی گناه‌کاران آنان- است. چه بسا به برکت رفت و آمدهای بستگان صالح، فاجران، هم راه صلاح پیش گیرند و تأثیر پذیرند. گاهی ترک مراوده و رفت و آمد، سبب می‌شود که بستگان معصیت‌کار، در گناه و بیراهه خود، بیش‌تر پیشروی کنند، ولی حفظ رابطه، جلوی بدتر شدن آنان را می‌گیرد. در این صورت، تکلیف، هم‌چنان نگهبانی از این خط ارتباط و پیوند خویشاوندی است.

حتی اگر بستگان، مایه آزار انسان هم شوند، باز حق گسستن پیوند را نداریم.

در حدیث آمده است: «مردی خدمت رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله! من خویشاوندانی دارم که با آنان پیوند می‌کنم و رابطه دارم، اما آنان آزارم می‌دهند. تصمیم گرفته‌ام آنان را ترک کنم. حضرت رسول (ص) فرمود: آن‌گاه، خدا هم تو را ترک می‌کند! ... گفت: پس چه کنم؟ رسول خدا (ص) فرمود: به کسی که محرومیت کرده، عطا کن، با کسی که از تو بریده، رابطه برقرار ساز، کسی که بر تو ستم کرده، از او درگذر. هرگاه چنین کردی، خداوند پشتیبان تو خواهد بود.»^{۲۳}

نیکی به خویشان در مقابل بدی آن‌ها

چنان‌چه بعضی از اقوام قطع رابطه کنند، باز هم جدا شدن و قطع ارتباط با آن‌ها جایز نیست. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «صلوا ارحامکم و ان

قطعوکم؛^{۲۴} با ارحام ارتباط داشته باشید، هر چند آن‌ها از شما بریده باشند.»

مردی در محضر امام صادق(ع) از بستگانش شکوه کرد. حضرت فرمود: «خشم خود را فرو ببر. (و به آن‌ها نیکی کن) عرض کرد: آن‌ها با من چنین و چنان می‌کنند. (و رعایت حالم را نمی‌کنند) حضرت فرمود: آیا تو هم می‌خواهی مثل آن‌ها قطع رحم کنی و به آن‌ها احسان نکنی؟! اگر چنین کنی، خداوند متعال (در دنیا و آخرت) نظر لطفش را از شما برمی‌دارد.»^{۲۵}

اگر یکی از افراد خانواده و یا خویشاوندان، از نظر اعتقادی یا اخلاقی (نماز نخواندن یا عدم رعایت موازین شرعی) مشکل داشته باشد، نمی‌توان با او قطع رابطه کرد، ولی می‌توان رابطه را به حداقل رساند. چون صلۀ رحم به وسیلۀ تلفن و نامه نیز ممکن است. زیرا هدف، آگاه بودن از حال اقوام است. البته اگر انسان بتواند به وظیفۀ امر به معروف و نهی از منکر عمل نماید و دیدار و معاشرت تأثیری در رفتار و کردار اقوامش داشته باشد، باید ضمن رفت‌وآمد به وظیفۀ خود عمل نماید، ولی اگر احتمال مفسده می‌دهد و نمی‌تواند آن‌ها را اصلاح کند، به احوال‌پرسی تلفنی بسنده نماید.

آثار صلۀ رحم

با تأمل در آثار صلۀ رحم در آیات و روایات درمی‌یابیم که بخشی از آثار و برکات این مسئله، در حوزه فرد و بخشی از آن‌ها در حوزه اجتماع مطرح می‌شود، هم‌چنان‌که پاره‌ای از این آثار، در دنیا و پاره‌ای در آخرت نصیب انسان می‌گردد. «صلۀ رحم» مانند دیگر فضایل اخلاقی، درجه‌های

متفاوتی دارد و با حداقل ارتباط که همان، رفت‌وآمد خانوادگی یا سلام کردن است، آغاز می‌شود و با مهرورزی بیش‌تر از طریق رفع مشکلات و نیازمندی‌های خویشان به وسیلۀ هم‌کاری و مشارکت در زمینه‌های مختلف و کمک‌های عاطفی، مالی و جانی تکامل می‌یابد. بدیهی است به میزان تقویت و گسترش این ارتباطات در عمق و سطح، آثار و برکات وسیع‌تری نصیب فرد و جامعه می‌شود. باید گفت ذکر آثاری که پس از این اشاره می‌شود، چنین تصویری را برای خواننده ایجاد نکند که با حفظ حداقل ارتباط خویشاوندی، بتوان به تمام این برکات دست یافت.

۱- آثار فردی

صلۀ رحم آثار دنیوی و اخروی دارد. آثار دنیوی آن عبارت‌اند از:

الف) افزایش عمر: هرچند خداوند متعال برای هر امتی و شخصی، عمری مشخص قرار داده است، اما آن را مشروط به عواملی ساخته است تا زیادت و نقصان پذیرد. از آیات و روایات معلوم می‌شود که انسان دارای دو مرگ است: مرگ حتمی (مسمی) و مرگ مشروط (معلق). مرگ حتمی، تأخیر و تقدم ندارد و صلۀ رحم، صدقه و ... تأثیری در آن نخواهد داشت، اما اجل و مرگ مشروط، قابل تغییر است. بیش‌تر مرگ‌ها با اجل معلق تحقق می‌پذیرد نه با اجل حتمی. دامنه تأثیر صلۀ رحم در محدوده اجل معلق است نه اجل مسمی.

همان‌گونه که یک سلسله عوامل مادی نظیر: تغذیۀ صحیح، رعایت بهداشت، دوری از هیجان‌های مداوم و ... مایۀ افزایش عمر معرفی می‌شود و خداوند

این خواص را در آن‌ها قرار داده است، عواملی نیز وجود دارند که هرچند ارتباط ظاهری آن با طول عمر برای ما چندان روشن نیست، ولی در روایات روی آن تأکید شده است. از جمله آثار مثبت صلۀ رحم، طولانی شدن عمر انسان است.

امام هشتم (ع) فرمود: «ما برای زیاد شدن عمر وسیله‌ای جز صلۀ رحم نمی‌شناسیم. تا آن‌جا صلۀ رحم در زیاد شدن عمر مؤثر است که شخصی که از عمرش سه سال مانده است، به خاطر صلۀ رحم خداوند سی سال بر عمرش می‌افزاید که مجموعاً سی و سه سال می‌شود و کسی که از عمرش سی و سه سال تمام باقی مانده است، به واسطه قطع رحم، خداوند سی سال از عمرش برمی‌دارد و آن را به سه سال کاهش می‌دهد.»^{۲۶}

در روایت دیگری آمده است: «امام باقر یا امام صادق - علیهما السلام - (تردید از راوی است)، به شخصی به نام میسر فرمود: گمان می‌کنم به خویشان خود نیکی می‌کنی؟ عرض کرد: آری، من در نوجوانی در بازار برای کسی کار می‌کردم و تنها دو درهم مزد می‌گرفتم، یک درهم را به عمه و درهم دیگر را به خاله خود می‌دادم. آن‌گاه امام (ع) فرمود: به خدا سوگند، دوبار مرگت نزدیک شد، ولی به خاطر این صلۀ رحم به تأخیر افتاد.»^{۲۷}

(ب) افزایش روزی و رفع فقر: از دیگر کارکردهای صلۀ ارحام، جلب رزق الهی و نعمت‌های خداوندی است. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هر کس برای من یک چیز را ضمانت کند، من چهار چیز برای او ضمانت می‌کنم. صلۀ رحم کند تا خداوند او را

دوست بدارد. روزی‌اش را توسعه دهد، عمرش را زیاد کند و او را به بهشت وارد کند.»

امام سجاده (ع) نیز درباره نیکی، صدقه پنهانی و صلۀ ارحام می‌فرماید: «عمر را زیاد می‌کند و فقر را از بین می‌برد.» اساساً «صلۀ ارحام» یکی از مصداق‌های تقوای الهی و عمل به فرمان‌های اوست. خداوند به تقوای پیشگان، وعده نعمت و رزق داده است، از جایی که گمان نمی‌برند: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^{۲۸} هر کس که تقوا پیشه کند، خداوند برای او راه خروجی (از مشکلات) قرار می‌دهد و او را از آن‌جا که گمان نمی‌برد، روزی می‌رساند.»

توجه به خویشاوندان و تلاش برای رفع نیازهای آنان و به طور کلی، گام نهادن در مسیر تحقق آرمان‌های مقبول هم‌نوعان (به ویژه خویشاوندان که در مراحل بالای صلۀ ارحام تجلی می‌یابند)، نوعی شکر الهی است. به مقتضای سنت حاکم بر جهان هستی، مصرف درست دارایی‌ها که در حقیقت، نماد قدرشناسی مؤمن و ادای شکر عینی و عملی این نعمت‌هاست، زیادی آن را در جنبه‌های کیفی و کمی موجب می‌گردد و این وعده الهی است که «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^{۲۹} شکر نعمت، نعمت افزون کند، کفر، نعمت از کف بیرون کند.»

امام سجاده (ع) در حدیثی از رسول گرامی (ص) نقل می‌کند که فرمود: «هر کس که خوش دارد خدا عمر او را دراز کند و روزی‌اش را توسعه دهد، باید صلۀ رحم کند.»^{۳۰} و فرمود: «هر که تأخیر در مرگ

و افزایش روزی را خوش دارد، باید صلۀ رحم کند.^{۳۱}

ج) سلامت روحی و روانی: صلۀ رحم نقش تعیین کننده‌ای در تأمین بهداشت روان دارد. زیرا اولاً: یکی از آثار معاشرت‌های خانوادگی و ارتباط‌های فامیلی، کاهش احساس ناامنی یا به عبارت دیگر، ارضای یکی از مهم‌ترین نیازهای عاطفی یعنی؛ احساس ایمنی است.

روان‌شناسان یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان برای رسیدن به مرحله خودشکوفایی را، نیاز به ایمنی می‌دانند و بر این باورند که اگر انسان احساس ایمنی نداشته باشد، نه تنها به مرحله خودشکوفایی نمی‌رسد، بلکه ریشه بسیاری از اختلافات روانی از جمله: بیماری‌های اضطرابی و مشکلات شخصیتی مانند عدم اعتماد به نفس، در انسان شکل می‌گیرد.

پیوند با خویشان می‌تواند احساس طرد شدن را از فرد زایل نماید؛ فرد با ارتباط مستمر با اقوام و نزدیکان، احساس می‌کند مورد عشق و علاقه دیگران بوده و از روی محبت و عطوفت با وی رفتار می‌شود و مورد تنفر و خصومت دیگران نیست. از طرفی رفت‌وآمد با دیگران، در کاهش احساس تنهایی نیز مؤثر است. اگر چنین روابط گرم و صمیمی بین خانواده‌ها و فامیل‌ها وجود داشته باشد، افراد هنگام بروز مشکلات و ناملایمات، اطمینان پیدا می‌کنند که از پشتوانه خانواده و خویشاوندان برخوردارند و می‌توانند در مقابل مشکلات و حوادث ناگهانی مقاومت کنند.

لذا رسول گرامی اسلام(ص) درباره معنای آیه: «واتقوا الله الذی تسألون به والارحام» می‌فرماید:

«خدای متعال امر می‌کند به این که صلۀ رحم کنید، زیرا صلۀ رحم هم زندگی دنیای شما را طولانی‌تر می‌کند و هم در آخرت برایتان بهتر است.»^{۳۲}

مرحوم علامه طباطبایی(ره) می‌فرماید: «ممکن است مراد از جمله: «زندگی دنیای شما را طولانی‌تر می‌کند»، این باشد که صلۀ رحم و حفظ پیوندهای خانوادگی، زندگی را از حیث آثارش طولانی می‌کند؛ چون باعث وحدت جاری بین اقارب می‌شود و وقتی روابط خویشاوندی محکم‌تر شد، انسان در از بین بردن عوامل ناسازگار زندگی بهتر مقاومت می‌کند و بهتر از بلاها و مصایب و دشمنان جلوگیری به عمل می‌آورد.»^{۳۳}

نقش صلۀ رحم و معاشرت با اقوام، برای سالمندان به مراتب بیش‌تر است، به دلیل این که احساس ناامنی در زنان و مردان سالمند، بیش‌تر نمود پیدا می‌کند. از دست دادن توانایی‌های جسمانی، بازنشسته شدن، عدم قدرت بر ادامه کار، از دست دادن مقام اجتماعی و عدم حضور فعال در صحنه‌های گوناگون زندگی، احساس طرد شدن و تنهایی را در پیرمردان و پیرزنان بیش‌تر به وجود می‌آورد، از این‌رو، ارتباط داشتن با آن‌ها و تعظیم و تکریم آنان، در کاهش احساس ناامنی بسیار مؤثر است. امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید: «عظّموا کبارکم و صلّوا ارحامکم؛ سالمندان را گرامی بدارید و با اقوام و خویشان پیوند برقرار کنید.»^{۳۴} این تعظیم و تکریم آن قدر اهمیت دارد که پیامبر اکرم(ص) نیز فرمود: «من اجلال الله اجلال ذی الشیبه المسلم؛ تجلیل از سال‌خوردگان نوعی تجلیل از خداوند سبحان است.»^{۳۵}

بدین وسیله اسلام، مردم را به تعظیم و تکریم سال خوردگان تشویق می‌کند و طبیعی است که با چنین بینش و روشی، سال خوردگان کم‌تر در معرض آسیب‌های روانی از جمله: احساس نالایمی، افسردگی و احساس تنهایی قرار می‌گیرند.

ثانیاً: صلۀ رحم نیاز به احساس ارزش‌مندی را (که یکی دیگر از نیازهای روانی هر انسانی است)، برطرف می‌کند. متخصصان امر بهداشت روانی معتقدند، علت احساس حقارت و خودبزرگ‌بینی را می‌توان در طرد شدن مستمر و مداوم از طرف والدین و دیگران دانست و نیز معتقدند که ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های روانی، احساس بی‌ارزشی عمیق است.^{۳۶}

یکی از عوامل مهمی که می‌تواند نقش بسزایی در تأمین و ارضای این نیاز داشته باشد، ارتباط‌های خانوادگی و معاشرت با خویشاوندان است، زیرا این نوع روابط براساس احترام متقابل و در فضایی آکنده از محبت و علاقه نسبت به یکدیگر صورت می‌گیرد و طرفین بدون منت‌گذاری، براساس مسئولیت انسانی و دینی، خود را ملزم به چنین روابطی می‌دانند و احساس می‌کنند که مورد احترام و تکریم واقع شده‌اند. امام باقر(ع) می‌فرماید: «صلۀ الارحام... تحبب فی اهل بینه»^{۳۷} صلۀ رحم آدمی را در بین خویشاوندان محبوب می‌سازد.»

ثالثاً: صلۀ رحم در جلوگیری از کم‌رویی نقش بسزایی دارد. زیرا، روان‌شناسان معتقدند، یکی از عوامل کم‌رویی - که در واقع نوعی معلولیت اجتماعی است - اضطراب اجتماعی می‌باشد و علت اضطراب اجتماعی نیز فقدان مهارت‌های اجتماعی

در ایجاد رابطه با دیگران است. از این رو یکی از بهترین و مؤثرترین راه‌های اجتماعی شدن و تقویت مهارت‌های ارتباطی، ایجاد روابط عاطفی و صمیمی با خویشاوندان می‌باشد و از آنجایی که ارتباط با پدر و مادر، خواهر، برادر، عمو، دایی و سایر خویشاوندان نوعی بار عاطفی دربردارد، بهتر می‌توان کودک را با محیط بیرون از خانواده آشنا کرد. وقتی کودک در چنین موقعیت‌های نیمه آشنا و آشنا نحوه روابط والدین با دیگران و خویشاوندان را مشاهده می‌کند، هم روند اجتماعی شدن او تسهیل می‌گردد و هم مهارت‌های ارتباطی را فرا می‌گیرد و هم این آمادگی را پیدا می‌کند تا با افراد غریبه در مکان‌های ناآشنا ارتباط برقرار کرده و کم‌تر دچار اضطراب و ترس شود.

رابعاً: صلۀ رحم در کاهش اضطراب و استرس مؤثر است. اسلام برای مقابله با تنیدگی و افزایش سطح سازش یافتگی فرد، از روش‌های رفتاری، اجتماعی و ارتباطی مانند: تشویق به داشتن ارتباط با خانواده، فامیل و خویشاوندان بهره می‌گیرد، زیرا کسی که از حمایت خانوادگی و اجتماعی برخوردار نباشد، خود را از نظر روانی بدون پشتوانه می‌بیند، ولی اگر در مواجهه با حوادث و مشکلات مختلف، از تکیه‌گاه محکم خانوادگی برخوردار باشد، خود را قدرت‌مند می‌بیند و دچار تنیدگی و اضطراب نمی‌شود و احساس تنهایی نمی‌کند و کم‌تر دچار آسیب‌های مختلف ناشی از تنیدگی می‌گردد. انسان در زندگی برای مقابله با مشکلات، حوادث و عوامل تنیدگی‌زا، به دو دسته عامل نیاز دارد: یکی اسباب طبیعی و مادی و دیگری شرایط زمانی مناسب.

احساس نداشتن پشتوانه و تنهایی، چه بسا باعث به هم خوردن تعادل روانی فرد شده و او را در حرکت به سوی هدف خویش باز می‌دارد و عجز و ناتوانی بر او غلبه می‌کند. بنابراین، صلۀ رحم و پیوندهای خانوادگی می‌تواند با احساس تنهایی که یکی از نشانگان افراد نایمن است، به مقابله برخیزد و به افراد خانواده گسترده خویش، احساس ایمنی لازم را عطا نماید تا در موقع بروز مشکلات و ایجاد تنیدگی، بتوانند با آن به خوبی کنار آمده و به آرامش روحی و سلامت روانی دست یابند.

از منظر تفکر دینی، نقش صلۀ رحم به گونه‌ای است که انجام آن سبب سامان‌دهی، ایجاد سلامت و عافیت و در طریق صحیح قرار گرفتن تمام امور می‌شود.

امام صادق(ع) می‌فرماید: «تباروا و تواصلوا... و تعطون العافیه فی جمیع امورکم»^{۳۸} هم‌چنین در روایتی دیگر ارتباط خویشاوندی را سبب آرامش و تسکین خاطر افراد معرفی کرده و چنین می‌فرماید: «ایما رجل غضب علی ذی رحمه فلیقم الیه، ولیدن منه و لیمسه فان الرحم اذا مست الرحم سکنت»^{۳۹} هرگاه کسی از رحم خود عصبانی شد، و بر او غضب کرد، پس باید به سوی او روانه شود و با او تماس برقرار کند. به درستی که دو رحم در تماس با یکدیگر به آرامش و سکون می‌رسند.»

بنابراین، درباره اهمیت صلۀ رحم و پی‌آمدهای آن در آرامش روحی و بهداشت روانی انسان از منظر آموزه‌های دینی، همین بس که امام صادق(ع) ایجاد ارتباط فAMILI و پای‌بندی به آن را تأمین‌کننده سلامت و عافیت تمام امور انسان معرفی کرده است.

(و) آبادی شهرها: در حدیثی می‌خوانیم: صلۀ رحم و خوش‌رفتاری با همسایه، شهرها را آباد می‌کند و بر عمرها می‌افزاید.^{۴۰}

آثار آخرتی صلۀ رحم عبارت‌اند از:

الف) کسب ثواب اخروی: پیامبر اکرم(ص) فرمود: «کسی که با جان و مال در راه صلۀ رحم اقدام کند، خداوند متعال اجر صد شهید در نامه اعمالش می‌نویسد و در برابر هر قدمی که در این راه بردارد، چهل هزار حسنه برایش ثبت می‌کند و چهل هزار گناه از او محو می‌گرداند و او را چهل هزار درجه بالا برد و مانند این است که صد سال با صبر و استقامت خدای را بندگی کرده است».^{۴۱} پیامبر اکرم(ص) فرمود: «ثواب صدقه، ده برابر است و قرض، هجده برابر و ارتباط با برادران دینی، بیست برابر و پیوند با خویشان، بیست و چهار برابر».^{۴۲}

ب) پاک شدن اعمال: در برخی از روایات یکی از آثار مثبت صلۀ رحم، پاک شدن اعمال بیان شده است. امام باقر(ع) فرمود: «صلۀ ارحام اعمال را پاک می‌کند، بلا را دور می‌سازد، اموال را برکت می‌دهد، عمر را دراز می‌کند، روزی را وسعت می‌بخشد و انسان را در میان خانواده و بستگانش محبوب می‌سازد. پس باید از خدا پروا کرد و صلۀ رحم نمود.»^{۴۳}

ج) آسانی حساب روز قیامت: امام صادق(ع) فرمود: «صلۀ رحم حساب روز قیامت را آسان و عمر را طولانی می‌کند و از مرگ بد ننگه می‌دارد.»^{۴۴}

۲- آثار اجتماعی

صلۀ رحم، علاوه بر آثار فردی اعم از دنیوی و اخروی، دارای پی‌آمدهای اجتماعی خاصی نیز هست

که جای‌گاه این عمل عبادی را در عرصهٔ اجتماع نمایان می‌سازد:

۱- هم بستگی اجتماعی: اگر افراد در قالب گروه‌های کوچک فامیلی، دارای تفاهم و توافق باشند و به یکدیگر یاری رسانند، در اجتماع نیز اثرگذار خواهند بود، به طوری که نوعی انسجام اجتماعی ایجاد می‌شود و چنین انسجامی مایهٔ حیات، رشد و بالندگی و در نهایت، عمران و آبادانی جامعه می‌گردد. پیوندها و گروه‌های خویشاوندی از آن‌جا که مبتنی بر کشش‌های طبیعی، تمایلات فطری و انگیزهٔ کافی افراد برای حضور در آن‌هاست، مورد تأکید اسلام قرار گرفته است تا نقطهٔ شروع اصلاح نظام اجتماعی باشد. چه بسا حکمت حدیث امام صادق (ع) که فرمود: «صلهٔ رحم و خوش‌رفتاری با همسایه، شهرها را آباد می‌کند.»^{۴۵}

۲- نظارت اجتماعی: صلهٔ رحم، نظارت اجتماعی را به همراه دارد. شبکهٔ خویشاوندی به عنوان یک جامعهٔ کوچک به طور مستقیم و غیر مستقیم ناظر بر رفتار یکدیگرند. از این‌روست که امام صادق (ع) نیکی و صلهٔ رحم را مایهٔ امنیت از گناه و آسان‌سازی حساب روز قیامت می‌شمارد.^{۴۶}

۳- افزایش جمعیت: در خطبهٔ حضرت زهرا (س) آمده است که خداوند، صلهٔ رحم را برای زیاد شدن نفوس واجب کرده است: «فرض الله صلة الارحام منماة للعدد».^{۴۷}

روابط مستحکم خانوادگی و فضای محبت‌آمیز و عاطفی حاکم بر آن، میل به همکاری و حیات را در انسان افزون می‌سازد. برعکس، ستم فرزندان به والدین و یکدیگر، خود رأی بودن و منفعت‌پرستی،

همکاری نکردن و مانع‌تراشی بر سر راه یکدیگر، میل طبیعی به تولید و تربیت فرزند را از بین می‌برد و در دراز مدت، به انقطاع نسل می‌انجامد. همین مسئله، مفسد اخلاقی و اجتماعی فراوانی را گریبان‌گیر جامعه می‌سازد.

۴- فقرزدایی: اگر جنبش فقرزدایی از روابط خویشاوندی آغاز شود و صلهٔ ارحام فقط در محدودهٔ سلام کردن متوقف نشود و به مرحلهٔ هم‌یاری و رفع گرفتاری خویشان ارتقا یابد و این فرهنگ اسلامی عمومیت یابد، به یقین، فقر ریشه‌کن خواهد شد. این‌که قرآن، خویشاوندان را در صدقه و انفاق بر دیگران مقدم می‌دارد، در راستای تحکیم همین بنیان است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «صلة الرَّحْم تَزِيدُ فِي الْعَمْرِ وَ تَنْفِي الْفَقْرَ»^{۴۸} صلهٔ رحم عمر را زیاد و فقر را از بین می‌برد.

۵- کسب موقعیت اجتماعی: افراد و خویشاوندان انسان در حکم یک گروه منسجم اجتماعی‌اند که هر فردی در سایهٔ تعلق به گروه می‌تواند موقعیت اجتماعی مطلوبی کسب کند. بسیاری از بحران‌های اخلاقی و شخصیتی که در نسل جوان صورت گرفته است و به صورت اعتیاد، فرار از خانه، خودکشی و... پدیدار می‌شود، نتیجهٔ طرد شدن فرد از سوی خانواده و دوستان بوده است. یکی از راه‌کارهای پیش‌گیری از این معضل، تقویت احساس تعلق به گروه و رواج مهرورزی میان خانواده و خویشاوندان است. امام علی (ع) می‌فرماید: «صلة الرَّحْم تَوْجِبُ الْمَحَبَّةَ»^{۴۹} صلهٔ رحم موجب محبت میان خویشاوندان می‌شود.

۶- برخورداری از حمایت خویشان: اگر صلهٔ رحم و دید و بازدیدهای فامیلی به طور صحیح و کامل

انجام گیرد، دست‌کم حمایت عاطفی صورت می‌گیرد، چون صرف معاشرت و دید و بازدیدها حامل چنین پیامی خواهد بود؛ احساس ارزش‌مندی و احترام و علاقه‌مندی به یک‌دیگر. علاوه بر این، حمایت اجتماعی راهی است برای تسکین دردها و بیماری‌ها، به خصوص بیماری‌های شدید و مزمن که گاهی برای مدت زمان طولانی گریبان‌گیر فرد است. در پرتو صلۀ رحم و ملاقات با شخص آسیب دیده و هم‌دلی و هم‌احساسی با وی ضمن افزایش عزت نفس، مشکلات و درد و رنج‌های او کاهش یافته و روح امید در وی زنده و پایدار می‌شود.

از منظر دینی یکی از آثار و پی‌آمدهای صلۀ رحم، برخورداری از حمایت خویشان است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «به خویشاوندان خود اکرام کن، بردباران ایشان را تعظیم کن، در مقابل بی‌خردان آن‌ها بردباری نشان ده و بر گرفتاران آن‌ها آسان گیر، چون آن‌ها بهترین حامیان تو به هنگام سختی‌ها و مشکلات و خوشی‌ها و آسودگی‌ها خواهند بود.»^{۵۰}

قطع رحم

قطع رحم و ترک رسیدگی به خویشان و بستگان در اسلام سخت مورد نکوهش قرار گرفته است و هر مسلمانی به شدت باید از آن پرهیز کند.

مراد از قطع رحم این است که او را به گفتار یا کردار بی‌بازاری و با او رفتار ناشایست کنی، یا او نیاز شدید به چیزی داشته باشد و تو علاوه بر قدر حاجت ضروری خود، قدرت رفع احتیاج او را داشته باشی، از مسکن، لباس و خوراک و از دادن آن به او خودداری و امتناع کنی، یا دفع ظلم از او برای تو میسر باشد و

نکنی، یا به سبب کینه و حسد از او دوری‌گزینی و هنگام بیماری عیادتش نکنی و چون از سفر آید به دیدنش نروی. همه این‌ها و امثال این‌ها، قطع رحم است.

قهر کردن، جواب سلام ندادن، ترش‌رویی، شرکت نکردن در محافل، کمک نکردن در گرفتاری‌ها، گله‌های نابه‌جا و امثال آن به قطع رحم و گسستن پیوند می‌انجامد.

خدای تعالی کسانی را که با خویشاوندان خود قطع رابطه می‌کنند، در سه جای قرآن مورد لعن و نفرین قرار داده است. از جمله می‌فرماید: «اگر از فرمان خدا روی‌گردان شوید، آیا جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد کنید و قطع رحم نمایید؟ آن‌ها کسانی هستند که خداوند آنان را لعنت کرده است.»^{۵۱}

امام صادق (ع) از جدش امام سجاد (ع) نقل می‌کند که فرمود: «... اِیَاکَ وَ مَصَاحِبَةَ الْقَاطِعِ لِرَحْمِهِ فَاِنَّی وَجَدْتُهُ مَلْعُونًا فِی کِتَابِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ فِی ثَلَاثَةِ مَوَاضِعَ؛^{۵۲} از معاشرت و دوستی با کسی که با بستگان خود قطع رحم کرده پرهیز، زیرا چنین کسی را در سه جای کتاب خدا (قرآن)^{۵۳} مورد لعن و نفرین یافته‌ام.»

در جای دیگر می‌فرماید: «به خدا پناه می‌بریم از گناهی که مایه تسریع نابودی است، مرگ‌ها را نزدیک و شهرها را از ساکنین، خالی می‌سازد و آن گناهان، قطع رحم، آزردن پدر و مادر و ترک احسان و نیکی (به آنان) است.»^{۵۴}

از نظر اسلام، قطع رحم (عدم ارتباط با بستگان) گناه کبیره است و در هیچ وضعی روا نیست. امام

صادق(ع) می‌فرماید: «حق الرحم لا یقطعہ شیء؛^{۵۵} حق رحم را هیچ چیزی قطع نمی‌کند.»

بنابراین افراد خانواده هر چند از نظر اعتقادی یا اخلاقی مشکل داشته باشند، نمی‌توان با آن‌ها قطع رابطه کرد، ولی می‌توان رابطه را به حداقل رساند.

از روایات معصومین(ع) استفاده می‌شود که صلۀ رحم مطلقاً واجب و قطع رحم مطلقاً حرام است، حتی کفر و فسق سبب سقوط حق رحم نمی‌شود. ابن حمید به حضرت صادق(ع) عرض کرد: بستگان من بر غیر دین من هستند. آیا باز برای ایشان حقی بر عهده من است؟ حضرت فرمود: «بلی، حق رحم به هیچ چیز ساقط نمی‌شود. اگر بستگان بر دین تو بودند، دو حق بر تو داشتند: حق رحم و حق اسلام.»^{۵۶}

در قطع رحم حتی مقابله به مثل جایز نیست؛ یعنی اگر کسانی قطع رحم کرده‌اند، دلیل نمی‌شود رابطه خویشاوندی نسبت به آن‌ها قطع شود.

شخصی به امام صادق(ع) عرض می‌کند: پسر عمویی دارم که هر چه به او می‌پیوندم، از من می‌برد. آیا اجازه می‌دهید با او قطع رابطه کنم؟ حضرت فرمود: «اگر تو با او رابطه برقرار کنی و او از تو ببرد، خدا شما را به هم می‌پیوندد و اگر تو از او ببری و او از تو ببرد، خدا از هر دو ببرد.»^{۵۷}

با این تأکیدات معلوم می‌شود نمی‌توان به دلیل نماز نخواندن یا عدم رعایت موازین شرعی توسط خویشاوندان، با آن‌ها قطع رابطه کرد. بر این اساس حضرت امام خمینی فرمود: «قطع رحم جایز نیست و رفت و آمد اشکال ندارد و با مراعات شرایط مقرر، امر به معروف و نهی از منکر نمایند.»^{۵۸}

برای قطع رحم نیز آثار و پی‌آمدهای سهمگینی شمرده شده است که توجه عمیق به آن، توجیه‌کننده موضوع‌گیری صریح نظام حقوقی و اخلاقی اسلام در این خصوص است. بارزترین اثر اجتماعی این انحراف، تضعیف پیوندها یا از هم‌گسیختگی روابط و تعلقات اجتماعی است.

در این بخش نیز به دسته‌بندی روایات وارده در این زمینه می‌پردازیم:
محرومیت از بهشت

رسول خدا(ص) فرمودند: «بپرهیزید از عاق والدین و قطع نمودن از خویشاوندان، به درستی که بوی بهشت از مسیر یک‌هزار سال به مشام انسان می‌رسد، اما عاق والدین و قطع رحم کننده، هرگز آن را استشمام نمی‌کند.»^{۵۹}

محرومیت از لطف الهی

مردی خدمت امام صادق(ع) آمد و از نزدیکان و خویشاوندان خود به آن حضرت شکایت نمود. حضرت به وی فرمود: «خشم را فرو نشان و کارت را انجام ده (یعنی دائماً «خشم را فرو نشان و درصدد انتقام بر میا» عرض کرد: آنان می‌کنند (آنچه را که می‌خواهند) و می‌کنند (و شما به من دستور فرونشاندن خشم را می‌دهید)؟ امام(ع) فرمودند: «آیا تو هم می‌خواهی مانند آنان باشی تا خداوند توجهی به شما نکند.»^{۶۰} مرحوم مجلسی در ذیل روایت شرح می‌دهد و می‌فرماید: «یعنی خداوند رحمت خود را از همه شما در دنیا و آخرت بازمی‌دارد، ولی اگر شما با آنان پیوند برقرار کردید یا آنان دست از آزار شما بردارند، آن وقت رحمت خداوند شامل همه شما می‌شود و تو به آن

سزاوارتری و در صورتی که آنان دست از آزار شما برندارند، آن وقت رحمت خداوند مخصوص تو خواهد بود و هیچ انتقامی برای تو بهتر از این نیست.»^{۶۱}

جمله آخر این روایت که می فرماید: «خداوند نظر می کند به شما، این ظاهر است در این معنی که «قطع رابطه نمودن شما» مورد خشم و غضب خداوند است و مبعوضیت این عمل در حد حرمت است.»

امام صادق (ع) فرمودند: «مردی خدمت رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله! من اقوامی دارم که اگر با آنان رفت و آمد داشته باشم، شخصیت من ضرر می بیند و به من دشنام می دهند می خواهم از آنان قطع ارتباط کنم حضرت فرمودند: «آن وقت خداوند هم از همه شما قطع رابطه خواهد فرمود.»^{۶۲} این روایت را محدث بزرگوار، مرحوم کلینی در کتاب شریف اصول کافی نقل فرموده است.

مرحوم علامه مجلسی توضیحی دارند که می فرماید: این که رسول خدا (ص) فرمودند: در آن صورت خداوند همه شما را ترک می کند، ترک خداوند کنایه از سلب کردن رحمت و نصرت خود از شما و نازل کردن عقوبت و عذاب، بر شماست.»^{۶۳}

کوتاهی عمر

امام صادق (ع) فرمودند: «پرهیزید از «حالقه» به درستی که آن مردان را از بین می برد. حذیفه می گوید: از امام (ع) پرسیدم حالقه چیست؟ فرمودند: قطع رابطه کردن با خویشاوند است.»^{۶۴}

محرومیت از رحمت الهی

رسول خدا (ص) از جبرئیل (ع) و او از خداوند متعال نقل می کند که فرمودند: «رحمت نازل نمی شود بر جمعی که در داخل آن جمع، قاطع رحم «کسی که از خویشاوندش قطع رابطه کند»، وجود داشته باشد.»^{۶۵}

عدم استجاب دعا

رسول خدا (ص) فرمودند: «قطع ارتباط با خویشاوند، مانع قبول دعا و نیایش می شود.»^{۶۶}

زوال نعمت

امام علی (ع) فرمودند: «قطع ارتباط با خویشاوند، نعمت را زایل می سازد.»^{۶۷}

مجازات در دنیا

رسول خدا (ص) فرمودند: «گناهی نیست که سزاوار باشد خداوند شتاب کند در عذاب صاحب آن در دنیا افزون بر عذابی که برای آخرتش ذخیره کرده است، از ستم و قطع ارتباط با خویشاوند.»^{۶۸}

توضیح: ستم و قطع رحم آثار سوء و نتایج منفی دارند؛ در دنیا انسان را قبل از مجازات در آخرت گرفتار می کنند و در صورتی که از ظلم و ستمی که مرتکب شده و قطع رحم کرده، توبه نکرده باشد در آخرت هم مجازات می شود.

نزول بلا

یکی از اصحاب نقل می کند که به امام صادق (ع) عرض کردم: برادران و عموزادگان، خانه ام را بر من تنگ کرده اند و از همه آن خانه مرا به یک اطاق، پناهنده کرده اند و من چنان چه در این باره اقدام کنم، آن چه در دست آن هاست می گیرم، آن حضرت فرمودند: «صبر کن، زیرا خداوند برایت گشایشی فراهم خواهد فرمود.» می گوید من

منصرف شدم. وبایی در سال ۱۳۱ آمد و به خدا سوگند همگی آنان مردند و یک نفر از آنان هم باقی نماند، می گوید من بیرون آمدم و به نزد آن حضرت رفتم، وقتی بر امام صادق(ع) وارد شدم فرمود: «حال اهل خانهات چطور است؟» عرض کردم به خدا سوگند همه آنان مردند و یک نفر هم از آنها زنده نماند. حضرت فرمود: «این برای آن کاری بود که به تو کردند و برای آن آزاری که به تو رساندند و قطع رحمی که کردند در نتیجه نابود شدند، آیا می خواستی که زنده باشی و بر تو تنگ بگیرند، عرض کردم: آری به خدا سوگند.»^{۶۹}

* * *

● پی نوشت ها:

۱. فرهنگ عمید.
۲. لغت نامه دهخدا.
۳. رعد (۱۳) آیه ۲۱.
۴. کافی، ج ۲، ص ۱۵۶.
۵. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۸۶.
۶. اسراء (۱۷) آیه ۲۶.
۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۲.
۸. رک: استفتائات، ج ۱، ص ۴۸۸.
۹. کافی، ج ۲، ص ۱۵۵.
۱۰. همان، ص ۶۷۰.
۱۱. همان، ص ۱۵۱.
۱۲. بقره (۲) آیه ۸۳.
۱۳. نساء (۴) آیه ۳۶.
۱۴. همان، آیه ۱.
۱۵. رعد (۱۳) آیات ۲۱ و ۲۲.
۱۶. محمد (۴۷) آیات ۲۲ و ۲۳.
۱۷. کافی، ج ۲، ص ۳۷۷.
۱۸. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۰۵.
۱۹. نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۹۳۹ و بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۰۵.
۲۰. استفتائات از محضر امام خمینی(ره)، ج ۱، ص ۴۸۷.
۲۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۳۱.
۲۲. کافی، ج ۵، ص ۵۸.
۲۳. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۰۰.
۲۴. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۲۲.
۲۵. کافی، ج ۲، ص ۳۴۷.
۲۶. همان، ص ۱۵۲.
۲۷. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۰۰.
۲۸. طلاق (۶۵) آیات ۲ و ۳.
۲۹. ابراهیم (۱۴) آیه ۷.
۳۰. کافی، ج ۲، ص ۱۵۶.
۳۱. همان، ص ۱۵۲.
۳۲. تفسیر در المنثور، ج ۲، ص ۱۱۷.
۳۳. علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ذیل آیه ۱ سوره نساء.
۳۴. کافی، ج ۲، ص ۱۶۵.
۳۵. همان.
۳۶. ابراهام مزلو، روان شناسی شخصت سالم، ترجمه شیوا رویگران، ص ۱۵۴.
۳۷. ترجمه کافی، ج ۲، ص ۱۵۲.
۳۸. بحار الانوار، ج ۷۱، باب ۱۷، حدیث ۱۰.
۳۹. همان، ج ۷۰، باب ۱۳۲، حدیث ۹.
۴۰. کافی، ج ۲، ص ۱۵۲.
۴۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۸۶.
۴۲. همان، ج ۱۱، ص ۵۴۶.
۴۳. کافی، ج ۲، ص ۱۵۲.
۴۴. همان، ص ۱۵۷.
۴۵. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۲۰.
۴۶. کافی، ج ۲، ص ۱۵۷.
۴۷. بحار الانوار، ج ۷۱، باب ۳.
۴۸. همان، ص ۱۰۳.
۴۹. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۰۶.
۵۰. همان، ج ۲، ص ۲۳۲.
۵۱. محمد (۴۷) آیات ۲۲ - ۲۳.
۵۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۷۶.
۵۳. رک: بقره (۲) آیه ۲۷؛ رعد (۱۳) آیه ۲۵ و محمد (۴۷) آیات ۲۲ - ۲۳.
۵۴. کافی، ج ۲، ص ۴۴۸.

۵۵. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۳۱.
۵۶. کافی، ج ۳، ص ۲۲۹.
۵۷. همان، ص ۲۲۷.
۵۸. استفتائات، ج ۱، ص ۴۸۶.
۵۹. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۱۷.
۶۰. کافی، ج ۲، ص ۳۴۷.
۶۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۳۷.
۶۲. کافی، ج ۲، ص ۱۵۰.
۶۳. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۱۴.
۶۴. کافی، ج ۲، ص ۳۴۶.
۶۵. جامع احادیث شیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۲.
۶۶. همان، ص ۲۷۴.
۶۷. همان، ص ۲۷۵.
۶۸. همان، ص ۲۶۷.
۶۹. کافی، ج ۲، ص ۳۴۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

به دلیل نماز نخواندن یا عدم رعایت موازین شرعی توسط خویشاوندان، با آن‌ها قطع رابطه کرد. بر این اساس حضرت امام خمینی فرمود: «قطع رحم جایز نیست و رفت و آمد اشکال ندارد و با مراعات شرایط مقرر، امر به معروف و نهی از منکر نمایند.»

* * *

خدای تعالی کسانی را که با خویشاوندان خود قطع رابطه می‌کنند، در سه جای قرآن مورد لعن و نفرین قرار داده است. از جمله می‌فرماید: «اگر از فرمان خدا روی گردان شوید، آیا جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد کنید و قطع رحم نمایید؟ آن‌ها کسانی هستند که خداوند آنان را لعنت کرده است.»

* * *

روابط مستحکم خانوادگی و فضای محبت‌آمیز و عاطفی حاکم بر آن، میل به همکاری و حیات را در انسان افزون می‌سازد. برعکس، ستم فرزندان به والدین و یک‌دیگر، خود رأی بودن و منفعت‌پرستی، همکاری نکردن و مانع‌تراشی بر سر راه یک‌دیگر، میل طبیعی به تولید و تربیت فرزند را از بین می‌برد و در دراز مدت، به انقطاع نسل می‌انجامد.

* * *

کسی که از حمایت خانوادگی و اجتماعی برخوردار نباشد، خود را از نظر روانی بدون پشتوانه می‌بیند، ولی اگر در مواجهه با حوادث و مشکلات مختلف، از تکیه‌گاه محکم خانوادگی برخوردار باشد، خود را قدرت‌مند می‌بیند و دچار تنیدگی و اضطراب نمی‌شود و احساس تنهایی نمی‌کند و کم‌تر دچار آسیب‌های مختلف ناشی از تنیدگی می‌گردد.

* * *

یکی از بهترین و مؤثرترین راه‌های اجتماعی شدن و تقویت مهارت‌های ارتباطی، ایجاد روابط عاطفی و صمیمی با خویشاوندان می‌باشد و از آن-جایی که ارتباط با پدر و مادر، خواهر، برادر، عمو، دایی و سایر خویشاوندان نوعی بار عاطفی دربردارد، بهتر می‌توان کودک را با محیط بیرون از خانواده آشنا کرد.

* * *

اسلام، مردم را به تعظیم و تکریم سال‌خوردگان تشویق می‌کند و طبیعی است که با چنین بینش و روشی، سال‌خوردگان کم‌تر در معرض آسیب‌های روانی از جمله: احساس نالایمی، افسردگی و احساس تنهایی قرار می‌گیرند.

* * *

روان‌شناسان یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان برای رسیدن به مرحله خودشکوفایی را، نیاز به ایمنی می‌دانند و بر این باورند که اگر انسان احساس ایمنی نداشته باشد، نه تنها به مرحله خودشکوفایی نمی‌رسد، بلکه ریشه بسیاری از اختلافات روانی از جمله: بیماری‌های اضطرابی و مشکلات شخصیتی مانند عدم اعتماد به نفس، در انسان شکل می‌گیرد.

* * *

همان‌گونه که یک سلسله عوامل مادی نظیر: تغذیه صحیح، رعایت بهداشت، دوری از هیجان‌های مداوم و... مایه افزایش عمر معرفی می‌شود و خداوند این خواص را در آن‌ها قرار داده است، عواملی نیز وجود دارند که هرچند ارتباط ظاهری آن با طول عمر برای ما چندان روشن نیست، ولی در روایات روی آن تأکید شده است. از جمله آثار مثبت صله رحم، طولانی شدن عمر انسان است.

* * *

همه روان‌شناسان و اندیشمندان علوم اجتماعی معتقدند که رشد علمی و اخلاقی انسان در گرو رشد عاطفی اوست؛ یعنی هرچقدر نیازهای عاطفی انسان بیش‌تر تأمین شود، زمینه برای رشد شناختی و اخلاقی وی بیش‌تر فراهم می‌شود و در نتیجه انسان بهتر، بیش‌تر و سریع‌تر به خودشکوفایی دست می‌یابد، علاوه بر این تأمین نیازهای عاطفی، سلامت روانی انسان را نیز تأمین می‌کند.

این‌همه تأکید بر صلهٔ رحم در قرآن مجید و ذکر ارحام پس از نام خداوند متعال، کاشف از اهمیت صلهٔ رحم در دین مقدس اسلام است و بیان‌کنندهٔ آن می‌باشد که ترک این واجب، عواقب سوء و سرانجام ناخوشایندی در پی خواهد داشت.

اسلام تحکیم پیوندهای خویشاوندی و استحکام روابط خانوادگی را به شدت مورد تأکید و توجه قرار داده و صلهٔ رحم و رسیدگی به بستگان را به عنوان یک ارزش الهی، واجب کرده است.

بهترین مرتبهٔ صلهٔ رحم، رسیدگی جانی به خویشان است و آن در جایی است که جان یکی از بستگان در خطر باشد که در این صورت باید تا پای جان ایستاد و از خویشاوندان خود - در چارچوب اسلام و معیارهای مکتبی - دفاع کرد، تا ضرر از او دفع شود.

در گنجینهٔ معارف اسلامی، کم‌تر موضوعی از موضوعات حقوقی - اخلاقی را می‌توان یافت که به اندازهٔ صله و قطع رحم و نیز نیکی به والدین و عاق آن‌ها، پیرامون آن سخن رفته باشد و این خود نشان اهمیت و جای‌گاه والای این ارزش اجتماعی در نظام ارزشی و هنجاری اسلام و نقش و تأثیر آن در ایجاد و تحکیم پیوندهای اجتماعی در شبکه‌های خویشاوندی دارد.
